۲۰ صفحه
۵۰۰ تومان

روزنامه شهروند

سه‌شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۳ | سال دوم
شماره ۴۰۲ | ۱۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ | 14 Oct 2014
رسانه فرهنگ خدمت داوطلبانه ایرانیان
www.shahrvand-newspaper.ir

گزارش «شهروند» از مرگ تدریجی مردم
و تولد کودکان معلول در چند صد متری صنایع بزرگ در اراک

داغ فرزندان مرده روی دل‌های «کَزاز»

دو قدم مانده به جهنم، هوا سوخته است. آتش زبانه می‌کشد و به آسمان می‌رود و زیرِ آتشِ مشعل‌هایِ همیشه روشن، زیر پای دودکش‌هایی که از هر گوشه‌ای پیداست، آدم‌ها روی زمین‌های سوخته خانه ساخته‌اند. دوهزار و ۲۰۰ نفر با نفس‌های بریده روی زمین‌های آلوده، ذرت و یونجه می‌کارند و زمینِ زیر پایشان و روزگارشان، سیاه مثل آبی آسمانی که هیچ پیدا نیست. ۲۰ کیلومتری جاده اراک به شازند در همسایگی مشعل‌هایی که سر به آسمان دارند، زمین‌های ۶۷۰ خانوار بوی مرگ می‌دهد، یونجه و ذرتشان هم. از پالایشگاه شازند که بگذری سه مشعل بلند، آسمان را روشن کرده‌اند و زمین را سیاه. هوا برای نفس کشیدن سنگین است و در این بی‌هوایی آدم‌های ساده روستا یک صبح دیگر را آغاز کرده‌اند؛ یک روز دیگر را زیر آسمانِ «کَزاز»؛ یکی از ده‌ها روستای استان مرکزی که حالاً دیگر سال‌هاست، روزها و شب‌هایش در محاصره صنایع بزرگ می‌گذرد. مشعل‌های گازی و دودکش‌هایی که مرگ در هوا می‌پراکنند از هر سو در کزاز پیداست؛ «پالایشگاه نفت» و «نیروگاه حرارتی» از شمال شرق و «پتروشیمی شازند» از شمال. صنایعی که برای ساکنان این گوشه پرت برای روستاییان کزاز رونق نیاورده‌اند، کسب و کار و حالِ خوش نیاورده‌اند. خاک و هوای آلوده، بچه‌های نارس، بچه‌های مرده، مادران مریض آورده‌اند.

صفحه ۱۷

صفحه‌های طرح نو

خیریه در نقش تأمین کننده رفاه اجتماعی

باری که موسسات خیریه به دوش می‌کشند

با آثار و گفتاری از:
امان الله قرایی مقدم، سعید معیدفر، عالیه شکربیگی، ملیحه عرشی، افسر افشارنادری، رمضانعلی قادری و سیدمحمدحسین جوادی

صفحه‌های ۱۲-۹

یادداشت

کاهش بیکاری یا بیکاری خفته؟

مصطفی عابدی | روزنامه‌نگار

انتشار گزارش مرکز آمار ایران درباره بازار کار در تابستان ۱۳۹۳ و اعلام رسیدن رقم بیکاری به ۹/۵ درصد و تک رقمی شدن آن نباید موجب برداشت نادرست از این ارقام شود. این آمار درست است ولی جزئیاتی از آن وجود دارد که توجه به این موارد معنای درست آن را آشکار می‌کند. واقعیت این است که طی فاصله تابستان سال ۹۲ تا ۹۳، آمار بیکاری حدود یک درصد کم و از رقم ۱۰/۴ درصد به رقم ۹/۵ رسیده است. ولی این امر به معنای آن نیست که اشتغال بیشتر شده است. متاسفانه در این فاصله یک ساله نه تنها بر تعداد شاغلان افزوده نشده، بلکه حدود ۷۰۰ هزار شغل کم هم شده است و تعداد شاغلان از ۲۲/۲ میلیون نفر به ۲۱/۵ میلیون نفر رسیده است. به عبارت دیگر، نرخ فعالیت کم شده و از رقم ۳۹/۱ درصد به ۳۷/۲ درصد رسیده است. کاهش تعداد شاغلان در حالی رخ داده است که تعداد افراد بالای ۱۰ سال کشور در این یک‌سال بیش از ۶۰۰ هزار نفر نیز افزایش یافته است.

ممکن است این سوال پیش آید که پس چطور امکان دارد نرخ بیکاری کمتر شده باشد؟ پاسخ این است که به دلیل پیدا نکردن شغل، بسیاری از افراد از بازار کار خارج شده و چون گذشته به‌دنبال کار نیستند، در نتیجه تعداد بیکاران نیز از ۲/۵۵ میلیون نفر به ۲/۲۵ میلیون نفر کاهش یافته و به همین دلیل نرخ بیکاری کمتر شده است. این آمار نشان می‌دهد که اقتصاد ایران راه زیادی برای خارج شدن از رکود دارد و اگر شاهد رشد اقتصادی هستیم، به دلیل استفاده از ظرفیت‌های خالی است که در سال‌های آخر دولت پیش مورد استفاده قرار نگرفته بود.

درباره بیکاری نباید ساده‌انگاری کرد. یکی از بحران‌های بسیار مهمی که دولت موجود با آن دست به گریبان خواهد شد، بیکاری است. اتفاقاً اگر وضعیت اقتصادی خوب شود و شاهد رشد قابل توجه در تولید باشیم، به سرعت با افزایش بیکاری مواجه خواهیم شد. کافی است که تصور کنیم نرخ فعالیت در ۲ سال آینده معادل این نرخ در تابستان سال ۱۳۸۴ شود. یعنی زمانی که دولت اصلاحات تحویل آقای احمدی‌نژاد داده شد. نرخ فعالیت در آن زمان ۴۲/۶ درصد بود. در این صورت باید ۲۸ میلیون نفر فعال اقتصادی داشته باشیم تا به این رقم برسیم و اگر دولت بخواهد نرخ بیکاری را معادل ۱۱ درصد که در سال ۸۴ بود نگه دارد، باید ۲۵ میلیون نفر شاغل باشند که ۳/۵ میلیون نفر بیشتر از رقم فعلی است. یعنی باید در طول دوسال آینده سالانه ۱/۷۵ میلیون شغل ایجاد کند تا بتواند وضعیت بازار اشتغال را مشابه تابستان سال ۱۳۸۴ نماید. این کار تقریباً غیرممکن است و اگر رخ دهد، اتفاقی شبیه معجزه رخ داده است و باید به دولت دست مریزاد گفت.

مجموعه آمار اقتصادی به ویژه وضعیت اشتغال و بیکاری و نیز تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که در یک‌سال گذشته تحرک ملموسی در بخش‌های اقتصادی رخ داده است؛ به ویژه این تحرک در بخش صنعت و خدمات ملموس‌تر است. در حالی که کشاورزی به دلایل متعدد، وضعیت مطلوبی ندارد. باوجود این، این تغییرات در حدی نیست که گمان کنیم از رکود خارج شده‌ایم. رشد اقتصادی ۴/۶ درصد نیز فقط مربوط به مقایسه بهار امسال با پارسال است که بدترین فصل اقتصادی کشور بود و در پایان دولت آقای احمدی‌نژاد رقم خورد. بنابراین تصور نمی‌شود که در ادامه فصل‌های دیگر سال نیز رشدی به همین میزان داشته باشیم.

متأسفانه جامعه ایران در آینده با سونامی بیکاری روبه‌رو خواهد شد. هرچند با گذشت زمان از شدت آن کاسته می‌شود، زیرا کاهش رشد جمعیت در سال‌های گذشته آثار مثبت خود را در تقاضا برای شغل نشان خواهد داد. ولی تا آن زمان باید نسبت به افزایش سرمایه‌گذاری و نیز فراهم کردن اشتغال برای جوانان کوشا بود. فراموش نکنیم که توسعه کمّی آموزش عالی میان جوانان، تأمین اشتغال برای آنان را مستلزم توجه به سطح ویژه‌ای از مشاغل نموده است. ضمن این که بخش دولتی نه‌تنها امکان جذب نیروی جدید در ابعاد موردنیاز را ندارد، بلکه بسیاری از نیروهای جذب‌شده در دولت قبلی نیز یا اضافی هستند یا فاقد صلاحیت‌های لازم برای شغل‌های در نظر گرفته شده‌اند و بیشتر شبیه بورسیه‌های غیرقانونی آن دولت هستند. بنابراین دولت کنونی به چند دلیل مشخص باید کوشش کند که دست‌های بخش خصوصیِ مولّد و کارآفرین را باز بگذارد و با بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار و امنیت سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال را بهبود بخشد. در غیر این صورت لشکر بیکاران دیر یا زود به پشت دروازه‌های اقتصاد کشور خواهند رسید.

پذیرش آگهی‌های روزنامه شهروند
تلفن: ۲-۲۲۹۵۶۲۰۰ فاکس: ۲۲۹۵۶۲۰۳
Shahrvand.Agahiha@gmail.com

موسیقیدان بزرگ جهان در ایران

کیتارو: برای تماشاگران ایرانی تپش قلب دارم

صفحه ۱۴

عکس: ایسنا

ورزش

«سیاسی» در گفت‌وگو با شهروند:

کسی نخواسته به نهادهای امنیتی بروم

صفحه ۱۹

جامعه

وزیر بهداشت خبر داد:

تولید مخفیانه خمیر مرغ بدون نظارت دامپزشکی

صفحه ۱۶

اقتصاد روز

رئیس مرکز ملی تحقیقات و مطالعات باروری ابرها

ابرها در ۱۲ استان بارور می‌شوند

صفحه ۴

یادداشت

جن‌گیری، یا تولید و تجارت!

قسمت ششم – قانون برای درستکاران است

محمدمهدی پورمحمدی

یادداشت دیروز کمی مفصل‌تر از معمول شد، زیرا شرح زیر پا گذاشتن اصول و مسئولیت‌های اخلاقی در تجارت، توضیح چگونگی یافتن «گریزگاه‌های قانونی[1]» ودورزدن قانون موضوعاتی نبودند که بتوان آنها را نیمه کاره رها کرد و باید در همان یادداشت پنجم آن را تمام می‌کردم. حال شاید بتوان تمام یادداشت دیروز را در یک ضرب‌المثل شیرین فارسی که می‌گوید: «قفل برای آدم‌های امین است» خلاصه کرد. معنای این ضرب‌المثل این است که ما صندوق‌ها، خانه‌ها، مغازه‌ها و اتومبیل‌های خود را قفل می‌کنیم که آدم‌های امین وسوسه نشوند، وگرنه دزدها چگونگی باز کردن هر قفلی را بلد هستند. قوانین تولید و تجارت هم، مثل قفل، برای آدم‌های متدین، اخلاق‌مدار و کسانی است که مسئولیت‌های اخلاقی در تجارت را رعایت می‌کنند، لابد برای این که وسوسه نشوند، وگرنه انسان‌های نادرست، گریزگاه‌های قانونی برای تقلب و کسب ثروت نامشروع به طریقی که تحت تعقیب قرار نگیرند را پیدا می‌کنند. مثالِ فروش میلیون‌ها «جن در بطری[2]»، با ایجاد باور دروغینِ رسیدن به خوشبختی و ثروت، آن هم نه به صورت زیرزمینی و مخفی بلکه با آگهی و نامه و در علن، نمونه بارزی از یافتن گریزگاه‌های قانونی برای کسب ثروت نامشروع به طریقی غیراخلاقی، اما کاملاً قانونی بود.

رئیس محترم کارگروه صنایع غذایی اتاق ایران که سمت دبیرکل خانه صنعت و معدن را نیز به عهده دارد و درعین‌حال عضو هیأت‌مدیره کانون انجمن صنایع غذایی ایران است، می‌گوید: «سال‌ها است که این مجوز به کارخانه‌داران داده شده که در فرآورده‌های گوشتی با رعایت استانداردهای بهداشتی از فرمولاسیون خمیر مرغ استفاده کنند. گوشتی که روی استخوان مرغ می‌ماند و استفاده‌ای ندارد، از آن جدا شده و به خمیر مرغ تبدیل می‌شود. البته اگر کارخانه‌ای بخواهد قانون را دور بزند، می‌تواند با استفاده از همین مجوز، امعاء و احشاء مرغ را هم به خمیر مرغ اضافه کند.» وی در پاسخ به این سوال که اگر خمیرمرغ موجود در بازار ضرری برای سلامتی ندارد، پس چرا پزشکان می‌گویند برای جلوگیری از بیماری‌های هورمونی آن را مصرف نکنید؟ می‌گوید: «عموماً سوسیس کالباس‌هایی که به صورت فله‌ای و در فروشگاه‌های میادین پر رفت و آمد و قیمت‌های نازل عرضه می‌شوند، استانداردهای موجود را ندارند. برای همین پزشکان می‌گویند در خرید فرآورده‌های گوشتی دقت کنید.[3]»

ادامه در صفحه ۳

داستان‌های داوطلبانه ۷

صدقه قلابی، تلویزیون و عروس بی‌عیب

سعید اصغرزاده

تعابیر و تصمیمات ما از دنیای اطرافمان تا چه حد به واقعیت نزدیک و قطعی است؟ این سوالی است که پاسخ آن همواره تأثیرگذارترین آثار را می‌تواند بر رفتارهای داوطلبانه ما بگذارد. هرچند گاهی دیدن صحنه‌های تکان‌دهنده عاطفی موجب می‌شود که نگاه‌مان را در زمان اندکی عوض کنیم. مثلا با خودمان بنا گذاشته‌ایم که فقط کمک‌های مالی خود یا صدقه‌هایی که کنار گذاشته‌ایم را به صندوق‌های کمک‌های مردمی در خیابان واریز کنیم، اما با دیدن آدم محتاجی که به زور سیم و قلاب می‌خواهد از داخل یکی از همان صندوق‌ها در محلی عمومی سکه‌ای یا اسکناسی را درآورد، متغیر می‌شویم و به او مدد می‌رسانیم و شاکی می‌شویم که با وجود این همه صندوق و کمک چرا باز هم فقر در خیابان‌ها با این شدت خودنمایی می‌کند؟ اما موضوع مورد بحث من این نیست. موضوع استفاده از ابزارهای موجودی است که در دسترس‌مان قرار دارند و به وسیله آنها دنیا را بهتر می‌توانیم بشناسیم. مثلا یکی همین تلویزیون!

بگذارید برای روشن شدن بحث یک داستان جالب و خواندنی نقل کنم؛ حضور یا شهود (Being There) عنوان داستانی است از یرژی کوشینسکی که براساس آن سال‌ها پیش فیلم موفقی نیز ساخته شد. «شانسی» اسم باغبان چهل ساله‌ای است که هیچ‌گاه از خانه خارج نشده و تنها منبع اطلاعاتی او از دنیا تلویزیون بوده. او پس از مرگ اربابش، ناچار است از خانه‌ای که در آن زیسته، خارج و پا به دنیایی بگذارد که پیش از آن فقط از طریق تلویزیون، با آن سروکار داشته است. مردی که خواندن و نوشتن نمی‌داند، هیچ برداشتی از رفتار افراد جامعه ندارد، هرگز عصبانی نشده، هیچ‌گاه دروغ نگفته و در تمام مدت زندگی‌اش جز آنچه در دل داشته را بر زبان نیاورده است. کسی که برای تغییر چیزها در عالم واقع، ناخواسته دست به کنترل از راه دور تلویزیون می‌برد.

می‌بینید تا چه حد هر چند در قالب یک داستان، می‌توان بر دامنه امواج سوار شد و بشر معاصر را تحت سیطره خود درآورد! هرچند کارشناسان معتقدند در کشورهایی که به واسطه بحران‌های متفاوت سیاسی و اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب اجتماعی، دارای امکانات و ابزارهای مناسب جهت گذران اوقات فراغت مردم خود نیستند و درصدد رفع این نقیصه نیز برنمی‌آیند، ارتباط میان رسانه و افراد بیشتر از سایر جوامع و بیشتر از حد معمول است. وقتی افراد یک جامعه بیشترین زمان فراغت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند، مسلما تأثیرپذیری بیشتری می‌تواند از این جهت، متوجه آنان شود. البته به شرط آن که تلویزیون چیزی برای آموزش داشته باشد! یا کارکرد متضادی از خود نشان ندهد!

شاید می‌شد آن قدر حضور اثرگذار تلویزیون پررنگ باشد که آدمی دریچه‌اش به نوع دوستی و فعالیت خیرخواهانه از آن منظر شکل بگیرد. مخصوصا در کشور ما که یک روز در میان کانال جدید افتتاح می‌شود. اما چرا این رسانه نتوانسته است به الگوهای داوطلبانه شکل رفتاری مناسب داده و آن را در معرض دید همگان قرار دهد؟ آن هم در کشوری که در معرض بحران‌ها و وقایع طبیعی مثل زلزله و سیل و بی‌آبی قرار دارد... در وجوه دیگری نیز این امر مشهود است؛ مثلا اگر بناست در میان تحریم‌ها با شگرد اقتصاد مقاومتی به تنومندسازی خود بپردازیم، آیا مگر نه این است که باید افراد داوطلبانه به سمت خرید جنس‌های ایرانی رفته، از تولید ملی خود دفاع کرده و نقش ایفا کنند؟ اما نسخه جدید پیش‌روی تلویزیون تاسی از سریال‌های پررنگ و لعاب ترکی و غربی است.

البته شاید توقعات‌مان هنوز از تلویزیون زیاد است. یاد آن داستان افتادم که مرحوم شاملو نقل می‌کرد: جوانی می‌خواست زن بگیرد به پیرزنی سفارش کرد تا برای او دختری پیدا کند. پیرزن به جست‌وجو پرداخت، دختری را پیدا کرد و به جوان معرفی کرد و گفت این دختر از هر جهت سعادت شما را در زندگی فراهم خواهد کرد. جوان گفت: شنیده‌ام قد او کوتاه است. پیرزن گفت: اتفاقا این صفت بسیار خوبی است، زیرا لباس‌های خانم ارزان‌تر تمام می‌شود. جوان گفت: شنیده‌ام زبانش هم لکنت دارد. پیرزن گفت: این هم دیگر نعمتی است این دختر چون لکنت زبان دارد پر حرفی نمی‌کند و سرت را به درد نمی‌آورد. جوان گفت: خانم همسایه گفته است که چشمش هم معیوب است. پیرزن گفت: درست است، این هم یکی از خوشبختی‌هاست که کسی مزاحم آسایش شما نمی‌شود و به او طمع نمی‌برد. جوان گفت: شنیده‌ام پایش هم می‌لنگد و این عیب بزرگی است. پیرزن گفت: شما تجربه ندارید، نمی‌دانید که این صفت، باعث می‌شود که خانمتان کمتر از خانه بیرون برود و علاوه بر سالم ماندن، هر روز هم از خیابانگردی، خرج برایت نمی‌تراشد. جوان گفت: این همه به کنار، ولی شنیده‌ام که عقل درستی هم ندارد. پیرزن گفت: ای وای، شما مردها چقدر بهانه‌گیر هستید، پس یعنی می‌خواستی عروس به این نازنینی، این یک عیب کوچک را هم نداشته باشد...

سیاست

رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت عیدغدیر تاکید کردند:

پرهیز شیعه و سنی از توهین به مقدسات یکدیگر

صفحه ۲

ورزش

گفت‌وگوی «شهروند» با ۴ بانوی مدال‌آور ایران در بازی‌های آسیایی

زنانه جنگیدیم زنانه پیروز شدیم

رجبی:
مادرم مخالف گرفتن تابعیت ایرانی بود

خدمتی:
روز قهرمانی با خانواده‌ام گریه کردم

منصوریان:
دستم در فینال رو شده بود

گماری:
نزدیک بود خفه شوم

صفحه ۸

پیام شهروند

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

- گاهی اوقات واقعا فکر می‌کنم مقام معظم رهبری خیلی مظلوم واقع شده‌اند اگر واقعا همه حرف‌های ایشان را اجرا می‌کردند خیلی از مشکلات حل می‌شد مثلا چقدر ایشان بر عدم اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی تأکید کردند ولی بعضی از مدعیان کار خودشان را می‌کنند.

شهروند: حق با شماست.

- با سلام و خدا قوت. اگر ممکن است شماره تماس خانواده هموطن زابلی را که از شدت فقر قصد فروش فرزند خود را کرده‌اند ارسال نمایید تا بتوانیم تا جایی که مقدور است کمک خود را ارسال نماییم. ضمنا بنده در روزنامه هم پیام گذاشتم ولی یادم رفت شماره تماس ذکر کنم. با تشکر شمس آبادی

شهروند: از توجه شما سپاسگزاریم. حتما شماره تلفن را برای شما به نشانی ایمیلی که داده‌اید ارسال خواهیم کرد.

- چرا دولت در مذاکرات اتمی اشداء علی المومنین و رحماء علی الکفار است؟

شهروند: کم لطفی نفرمایید.

- سلام. مدتی است از تهران به گلپایگان مهاجرت کردم. این‌جا روزنامه شما توزیع نمی‌شود. با مسئول اشتراک و بازرگانی شما هم تماس گرفتم. قول‌هایی داد اما نتیجه نداد! هر وقت تهران هستم روزنامه دیروز، امروز، فردای شما را تهیه می‌کنم... جمالی

شهروند: شرمنده‌ایم پیگیری می‌کنیم.

- هر وقت ما توانستیم فرهنگ رانندگی را در این مملکت درست کنیم و بین خطوط حرکت کنیم می‌توانیم به آینده و درست‌شدن رفتار و توسعه امیدوار باشیم.

شهروند: تصدقت بروم پاک ناامیدمان کردی که!

- هی می‌گویند خصوصی‌سازی؛ آقا به خدا اگر واقعا همه امور را واگذار کنند و واقعا خصوصی‌سازی کنند تمام مشکلات کشور حل می‌شود، بیکاری هم درست می‌شود.

شهروند: باور بفرمایید چون خیلی از مدیران بیکار می‌شوند نباید خیلی به خصوصی‌سازی واقعی امیدداشت!

سامانه پیام کوتاه
شهروند
۳۰۰۰۰۹۷

پیام‌های خود را به سامانه پیام کوتاه «شهروند» فرستاده و ما را از نظرات، انتقادات و پیشنهادات خودتان آگاه کنید.